



## نگارش : روح اله خالقی

رئیس هنرستان موسیقی ملی

**وزن - وزن** که در موسیقی هند «تالا» (۱) گفته میشود یکی از عناصر مهم است که موضوع بسیار پیچیده‌ایست و در آن موشکافی زیاد شده است. درآلات ضربی که مهمترین آنها طبله و بغاوج (۲) و مردنکا (۳) میباشد انواع وزنه‌های مختلف که تشخیص اغلب آنها دشوار است اجرا میشود. بدیهی است که رابطه خیلی نزدیک میان وزن موسیقی و اوزان نظم و نثر زبان هند نیز موجود میباشد. رابطه وزن شعر و موسیقی امری طبیعی است ولی علت اینکه این رابطه در شهرم دیده میشود از این جهت است که ادبیات نثری هندی تا قرن نوزدهم عملاً نوعی از شعر بوده است. زیرا چه در زبان سانسکریت و چه در لهجه‌های بومی و محلی تمام سیلاب‌ها از لحاظ مدت و زمان تقسیم بندی شده‌اند.

داستانی خیالی راجع بوزن شهرت دارد مثلاً چنین گویند که «بهاراتا» سی و دو وزن مختلف در آواز چکاوک و کاکلی یافته است. در اهمیت مقام وزن مثالی دارند و میگویند آواز بی ضرب مانند چهره بدون بینی است.

واحد وزن را «ماترا» (۴) گویند. اختلاف اینجا است که در موسیقی غربی واحد نت گرد است که طویل ترین کشش میباشد در صورتیکه در موسیقی هند ماترا (یا واحد زمان) کوتاهترین کشش است که مساوی یک سیلاب حساب میشود. نکته دیگر اینجا است که در موسیقی غربی چیزی که سبب اختلاف وزن میشود، قوت ضرب است یعنی ضرب قوی در آغاز میزان واقع میشود و بقیه ضربهای یک میزان، ضعیف هستند. ما اختلاف اوزان را از وضع میزانها تشخیص میدهیم که در حقیقت دو ضربی یاسه ضریب است زیرا انواع دیگر از آنها مشتق شده‌اند یا بعبارت دیگر، تنوع را در میزان میدانیم ولی در هند تنوع را در ضربها میدانند که دارای ترکیبات مختلف می-

(۱) Tala (۲) Pakhawaj (۳) Mridanga (۴) Matra

باشد. درحقیقت اگر بخواهیم بمفهوم واقعی زمان در وزنهای مختلف هند پی ببریم باید از موضوع قوت ضرب چنانکه در موسیقی غربی بآن عادت کرده ایم صرفنظر کنیم و موضوع را از لحاظ زمانهای کوتاه و بلند مطالعه نماییم.

همین ترتیب عیناً در اوزان قدیم موسیقی ایران نیز ملاحظات شده است چنانکه قدما، کوتاهترین زمان را همانطور که در هند معمول است واحد زمان شمرده اند و در ایقاع قدیم (۱) واحد زمان را کوتاهترین امتداد تصور کرده اند.

وزن موسیقی هند از سه عنصر ترکیب میشود:

۱- ضربه نخستین یا «ساما» (۲) که در مثالهای زیر با عدد يك نشان داده شده است.

۲- ضربه های دیگر با تالی (۳) که بوسیله اعداد ۲-۳-۴ و غیره نموده شده است.

۳- ضربه خالی یا باقی مانده با استراحت که درحقیقت، سکوت است و آنرا خالی (Khali) نامند و با سکوت نشان میدهیم.

در موسیقی هند، وزنها بسیار متنوع است و در شمال و جنوب هم اسامی آنها بی اختلاف نیست و تا ۱۲۰ نمونه مختلف ذکر کرده اند.

نوازندگان آلات ضربی سبک خاصی برای نواختن دارند و بسته باینکه کف دست یا یکی یا تمام انگشتان در وسط یا کنار طبله بخورد علامات اختصاری بکار میبرند و گاه عین آن علامات را که هر کدام يك سیلاب است تکرار میکنند مثلاً در شمال هند Ta-Dha - Tin-Trik-Ta - Na-Dhin با دست راست و Ta-Dha با دست چپ و Dhin-Dha با هر دو دست نواخته میشود. در جنوب هند اهمیت و تنوع موضوع بیشتر است از این قرار:

Ta با چهار انگشت دست چپ

Ti با چهار انگشت دست راست در وسط طبل

Nam - با تمام انگشتان دست چپ

Tom - با هر دو دست و تمام انگشتان (در اصطلاح موسیقی ما نیز همین لفظ

برای سر ضرب بکار میرود)

عده این الفاظ بسیار است که فقط بذکر چندتای آنها پرداخت

اینک چند نمونه از اوزان موسیقی هند:

۱- Tala Dadara مساوی  $\frac{6}{4}$  که دارای يك ضربه نخستین و يك ضربه

خالی است و ضربه تالی ندارد و رو بهمرفته از شش ماترا ترکیب میشود:

(۱) قدما در ایران وزن را ایقاع میگفتند

(۲) Sama (۳) Tali



صدای دیگر يك نوع نت زینت بکار میرود که بیشتر شباهت به لغزش یا باصطلاح علمی Glissando دارد. نت زینت را در اصطلاح موسیقی هندی گاما کا (۱) گویند. نوزده قسم نت زینت بکار میرود که ده تای آنها خیلی معمولست و این نت هاست که شیوه مخصوص بنغمات موسیقی هند میدهد که آنرا از انواع دیگر موسیقی ممتاز مینماید. یکی از اقسام نت های زینت بوسیله حرکت عرضی (۲) سیم ساز انجام میشود که تا حدود دو پرده صدای اصلی را در حالیکه انگشت در روی همان پرده اصلیت بالا میبرد. چون طول دسته سازهای هند زیاد و فاصله پرده ها هم همین طور است باین وسیله میتوانند بی آنکه از پرده ای به پرده بعد بروند در روی همان يك پرده، انواع فاصله هارا از حدود يك ربع پرده تا دو پرده بهمین وسیله ایجاد کنند.

برای نمونه چند اصطلاح را که برای نت های زینت بکار میبرند ذکر میکنم:

۱- Dalu - يك نوع پیشاست (۳) در حقیقت نت هاست که بنرمی صدا میاید و به نت بالاتر میرسد.

۲- Sphuritan يك نوع آرپژ است که از نت ها یکی در میان سرعت میکنند.

۳- Andoiam. جنبش نت بطرف زیر. ( ازین اصطلاحات بسیار است که باختصار میگردد. )

ازین قسمت که بگذریم موضوع دیگر انواع مختلف ملودیست که هر يك دارای قواعد مخصوص میباشد مانند سبکی که در شمال Alap و در جنوب Alapana گفته میشود. درین سبک، را گادارای ضرب آزاد است و خواندن آن مهارت آواز- خوان را میسراند.

سبک دیگر در جنوب Kirtana یا Kriti و در شمال Dhrupad و خیال (Khyal) گفته میشود.

در وید يك نوع آواز باوقار مذهبی است که نت های زینت ندارد و «تان سن» در خواندن آن مهارت داشته است. «خیال» سبکی است که اختراع آنرا بامیر خسرو دهلوی نسبت میدهند و دارای نت های زینت بسیار میباشد و آواز عشق نام دارد که اگر زنان بخوانند مطلوبتر است. آنها که سبک دژوید را میخوانند خواندن سبک خیال را غیر کلاسیک میدانند و آنرا نمیخوانند و آنها که سبک خیال میخوانند از همان طبقه هستند که سبک قوالی میخوانند و خوب میدانند که سبک خیال و قوالی سرچشمه اش از ایران است.

سبک دیگر Hori نام دارد که مربوط باعیاد مقدس است. نوع دیگر Thumri نام دارد که آوازی عاشقانه است و موسیقی دانهای طبقه اول خواندن آنرا که ساده تر است دون مقام خود میدانند. قسم دیگر Tappa نامیده میشود که

(۱) Gamaka

(۲) مقصود اینست که انگشت دست چپ، سیم را از جای خود حرکت دهد و بطرف راست ببرد و دوباره بجای خود برگرداند که در تار ایران هم معمولست.

(۳) Appogiature

آواز مسلمانان هند است. درین جا نیز انواع نت‌های زینت بکار میرود و گویند اول دفعه بوسیله خواننده معروفی بنام Shouri از اهل لکنو (۱۸۱۰) بوجود آمده است.

قسم دیگر غزل نام دارد که آنهم عاشقانه است و مسلم است که سابقه‌اش از ایران است. نوع دیگر مرتبه است که مربوط بشیعیان میباشد.

سبک دیگر Sargam نام دارد و میتوان آنرا سرایش نامید (۱) درین سبک اسامی نت‌های موسیقی جانشین کلمات است. کلمه سارگام از چهار نت Sa-Ri-Ga-Ma بوجود آمده است. این رویه که در شمال و جنوب بسیار معمولست حتی بوسیله خوانندگان طراز اول هم بکار میرود و هر چه بتوانند فواصل مشکلترا کنند تر بخوانند نماینده مهارت آنهاست.

طرز دیگر Trivata نام دارد که شامل کلمات بی‌معنی است که آنرا از دهان خواننده خارج میشود و سبکی که شامل چهار نوع ذیل باشد: خیال - ترانه - سارگام و تریوانا - با سم آوازی مرکب از چهار قسمت یا Chaturanga نامیده میشود. ترانه هم سبکی است که سیلابهایی که در آلات ضربی متداولست در آن بکار میرود مانند تاکا - تاکا - تا - دین - گی - نا - توم و غیره. حالا چه شده است که ترانه یعنی نوعی از آوازه‌های شعر دار قدیم ایران در هند با این سبک بکار رفته معلوم نیست هر چند در هند هم ترانه نوعی آواز محلی و بومی حساب میشود.

سبک دیگر Ragamala نام دارد که در آن چند آگای مختلف یا هم جمع میشوند و از هر کدام از آنها چند جمله خوانده میشود.

علاوه بر اقسام دیگری که ذکر آنها مطلب را بیدراز می‌کشد آهنگهای محلی بسیاری هم در هند معمولست که یادگار دوران بسیار قدیم میباشد و اغلب آنها دارای حالات و اوزان دلفریبی است. در بنگال این آهنگها را Baul و در جنوب هند Sindhu هم مینامند و بعضی از آنها جنبه مذهبی دارد. البته باید توجه داشت که آوازه‌های محلی هند بکلی چیزی غیر از آگاهها میباشد (۲)

**همراهی آواز:** در موسیقی هند هم آهنگی (Harmony) وجود ندارد و چیزی که جانشین آن میشود Drone نامیده میشود که آواز خوان، خود را بدون آن مانند کشتی بی‌سکان احساس میکند و همانست که ما همراهی یا Accompagnement گوئیم.

(۱) همان که در فرانسه Solfège و در انگلیسی Sol-fa نام دارد.  
(۲) در ایران هم همینطور است. موسیقی اساسی ما دستگاهها و ردیف است و آهنگهای محلی جزء کوچکی از آن بشمار میرود اصولاً تا آنجا که اطلاع دارم در مشرق زمین اساس موسیقی بر روی مقامات است چنانکه در موسیقی ترک و عرب هم همینطور است. در حقیقت راگا - دستگاه و مقام که در موسیقی مشرق اساس موضوع است در موسیقی غربی وجود ندارد. البته اینها را نباید با گام اشتباه کرد که در مشرق و غرب موجود است.

همراهی آواز یا بوسیله طبل است یا با طنبور و یا هر دوی آنها. طنبور هند دارای چهار سیم است که بفاصله پنجم و چهارم و هنگام کوک میشود و همواره بطور دست باز صدای آن شنیده میشود. آوازخوان آنرا بدست میگیرد و سیمها را که صدای آنها درهم و مخلوط است بصدا میآورد و آواز خود را به همراهی آن میخواند. همچنین طبله را با صدای آن کوک و جفت میکنند و با آن نیز خواننده را همراهی می-کنند. در موقع نواختن ساز نیز این موضوع بوسیله سیمهای فرعی بسیاری که سازها دارد و معمولاً سازهای هندی سرشار از آنهاست عملی میشود.

### موسیقی توصیفی ...

« وقتی گفته میشود که فلان آهنگساز در نوشتن اثر خود از یک کتاب و یا نمایشنامه و یا یک قطعه ادبی الهام گرفته است، بی درنگ میپرسند که از کدام فصل آن کتاب و یا کدام صفحه و صحنه ...؟ » مفسرین موسیقی پیوسته میخواهند آنچه را که خود آهنگساز نمیداند، بدانند. آیا روزی خواهد رسید که از ما نپرسند که در فلان قطعه موسیقی خود چه خواسته ایم بگوئیم؛ آنسانکه تصور میکنند که آهنگسازان قلم خود را با آن نیت روی کاغذ میکنند که چیز بخصوصی را بیان نمایند و یا توصیف و نقاشی کنند، در اشتباهند. ولی مفهوم این گفته آن نیست که تأثیر حوادث و عوامل خارجی را بی اهمیت بدانیم ... جنبه «بصری» تجل آهنگساز را نباید ناچیز دانست ... ولی الهام گرفتن از موقعیت و یا منظره خاصی، با توصیف و نقاشی آن منظره و موقعیت، یکی نیست و بین این دو، اختلاف بسیار هست ... »

« شومان »